

## بررسی رابطه بین جنس و نقش‌های جنسیتی با ترس از موفقیت در دانشجویان

بهشته عبدی\*، دکتر مهرناز شهرآرای\*\*، دکتر محمدنقی فراهانی\*\*

### چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی رابطه بین جنس و نقش‌های جنسیتی با ترس از موفقیت در دانشجویان سال چهارم رشته‌های فنی و مهندسی بود. به این منظور، ۴۵۰ دانشجوی سال چهارم رشته‌های فنی و مهندسی دانشگاه‌های شهر تهران (۲۲۵ دختر و ۲۲۵ پسر) که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شده بودند، سیاهه‌نقش جنسی بـم (۱۹۸۱) و پرسشنامه عینی ترس از موفقیت زاگرمین و آلیسن (۱۹۷۶) را کامل کردند. نتایج تحلیل داده‌ها که با استفاده از روش‌های تحلیل واریانس دو طرفه و نیز مجذور کای انجام شد، نشان دهنده معنی‌دار نبودن تعامل بین جنس و نقش‌های جنسیتی در ترس از موفقیت بود. بررسی تفاوت‌های جنسی در ترس از موفقیت نیز تفاوت معنی‌داری را نشان نداد. اما اثر اصلی نقش جنسیتی بر ترس از موفقیت معنی‌دار بود. به این معنی که دانشجویان دارای نقش‌های دو جنسیتی و مردانه، ترس از موفقیت پائین‌تر و دانشجویان دارای نقش‌های جنسیتی زنانه و نامتمايز ترس از موفقیت بالاتری را نشان دادند. یافته‌ها نشان داد که بین جنس و نقش‌های جنسیتی رابطه معنی‌داری وجود دارد و زنان و مردان، بیشتر در ریخت‌بندی جنسیتی مربوط به جنس زیستی خود قرار داشتند، اما تعداد قابل ملاحظه‌ای از افراد از هر دو جنس در نقش‌های دو جنسیتی و نامتمايز قرار داشتند.

**کلیدواژه‌ها:** نقش‌های جنسیتی، جنس، ترس از موفقیت، رشته‌های فنی و مهندسی.

● مقدمه

مک کله‌لند (۱۹۸۵)، «انگیزه پیشرفت»<sup>۱</sup> را به عنوان «نیروی بهتر انجام دادن کارها مطابق با معیارهای سطح بالا» (ص ۱۹۰) تعریف کرده است. یکی از مجادله برانگیزترین موضوعات مورد بحث مرتبط با این سازه، بررسی وجود تفاوت‌های جنسیتی در «انگیزه» و «رفتار پیشرفت» بوده است. از آنجائیکه یافته‌های تحقیقی در گذشته (فرنج و لسر، ۱۹۶۴) نشان داده بود که انگیزه پیشرفت در زنان به اندازه مردان قوی نیست، هورنر (۱۹۶۸)، به نقل از هورنر و فلمینگ، (۱۹۹۲) در پی تحقیقی که برای درک علل تفاوت زنان و مردان در انگیزه پیشرفت انجام داد، مطرح نمود که پیشرفت در زنان ممکن است با حالتی از اضطراب درباره موفقیت همراه باشد. از اینرو مفهوم «ترس از موفقیت»<sup>۲</sup> به عنوان ساختار ثابت شخصیتی زنان و عاملی مهم و باز دارنده در پیشرفت زنان مورد توجه قرار گرفت. از آنجائیکه نتیجه تحقیق هورنر، نشان دهنده ترس از موفقیت بالای زنان در مقایسه با مردان بود، عده‌ای از محققان به بررسی تفاوت‌های جنسی در ترس از موفقیت پرداختند که نتایج متناقضی به دست آمد. در حالیکه بعضی از تحقیقات (هورینو، ۱۹۹۱؛ زا کرمن و آلیسون، ۱۹۷۶؛ بوگل و مورتی، ۱۹۹۰؛ فراید بوچالتر، ۱۹۹۷؛ خولار، ۲۰۰۰) همسو با نظر هورنر، ترس از موفقیت بالاتری را در زنان در مقایسه با مردان گزارش نمودند، برخی از تحقیقات (لوین و کروماین، ۱۹۷۳؛ مورگان<sup>۳</sup> و ماسنر<sup>۴</sup>، ۱۹۷۳؛ به نقل از فراید بوچالتر ۱۹۹۷ و روتمن، ۱۹۹۶) ترس از موفقیت بالاتری را در مردان گزارش نمودند. از سوی دیگر، محققان دیگری (هافمن، ۱۹۷۴؛ یامائوچی، ۱۹۸۶؛ لو، آلن، پاپوچیس و ریتزلر، ۱۹۹۸؛ کریشنان، ۱۹۹۸) هیچ تفاوتی را در ترس از موفقیت بین زنان و مردان گزارش نکردند. از اینرو بنظر می‌رسد این حیطه نیازمند تحقیقات بیشتری باشد.

عده‌ای از پژوهشگران، همچون کوک<sup>۵</sup> و چاندلر<sup>۶</sup> (۱۹۸۴؛ به نقل از پتری، ۱۹۹۶)، چری<sup>۷</sup> و دو<sup>۸</sup> (۱۹۷۸؛ به نقل از گولومبوگ<sup>۹</sup> و فی‌وش<sup>۱۰</sup>، ۱۳۸۲) و کیوماری (۱۹۹۵)، ترس از موفقیت را عکس‌العمل زنان و مردان به رفتارهایی می‌دانند که با «جنس» آنها مغایرت دارد. بنا به نظر این محققین، به نظر می‌رسد، «زنان» ترس از موفقیت را تجربه می‌کنند. زیرا پیشرفت، موفقیت و رقابت جوئی با «نقش‌های جنسیتی»<sup>۱۱</sup> که جامعه برای زنان تدارک دیده است، سازگار نیست. از اینرو نقش جنسیتی به عنوان متغیری واسطه‌گر در ارتباط با ترس از موفقیت مطرح گردید.

بنا به تعریف بم (۱۹۹۳)، نقش‌های جنسیتی عبارتند از انتظارات، نگرشها و رفتارهایی که برای هر جنس در فرهنگی معین مشخص می‌شوند. برخی از پژوهشگران (بم، ۱۹۷۴، ۱۹۹۸؛ کهلبرگ<sup>۱۲</sup>، ۱۹۶۶؛ کیگان<sup>۱۳</sup>، ۱۹۶۴؛ به نقل از بارون و بیرن، ۱۹۹۷؛ مقدم<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۸) تصدیق کردند

که بسیاری از مردم صرفاً برحسب باورهای کلیشه‌ای در آنچه برای مردان و زنان در جامعه مناسب تلقی می‌شود، رفتار می‌کنند. مقایسه کلیشه‌های جنسیتی در تحقیقی جامع (ویلیام و بست، ۱۹۹۰) در میان دانشجویان ۳۰ کشور مختلف، عمومیت فرهنگی را درباره صفاتی که «زنانه»<sup>۱۵</sup> یا «مردانه»<sup>۱۶</sup> تلقی می‌گردد، نشان داده است. در مفهوم سازی از دو واژه مردانگی و زنانگی، از واژه‌های «بیانی»<sup>۱۷</sup> و «ابزاری»<sup>۱۸</sup> استفاده شده است (اسپنس، ۱۹۹۳). صفات «ابزاری»، با ورود هدفمند و شایسته به دنیای بیرون از خانواده بر محور پیشرفت‌گرایی و خودمختاری تعریف می‌شوند و مترادف با صفات مردانگی در نظر گرفته می‌شوند. صفات «بیانی»، با گرم و هیجانی بودن و مسئولیت‌پذیری در خانه همراه است که حمایت و پرورش‌دهندگی را فراهم می‌نماید و به‌عنوان صفات زنانگی در نظر گرفته می‌شود (سانتراک، ۱۹۹۸).

در اوایل دهه ۱۹۷۰، روانشناسان (کانستینوپل<sup>۱۹</sup>، ۱۹۷۳؛ بم، ۱۹۷۴؛ اسپنس و هلمریش<sup>۲۰</sup>، ۱۹۷۸؛ هاستن<sup>۲۱</sup>، ۱۹۸۳؛ به نقل از دو، ۱۹۹۸) ضمن مورد چالش قراردادن دیدگاه سنتی «نقش جنسیتی» که صرفاً مردان را با صفات مردانه، و زنان را صرفاً با صفات زنانه توصیف می‌کردند، این نظر را مطرح نمودند که فرد ممکن است از نظر روانشناسی، واجد یکی، یا هر دو ویژگی مردانه و زنانه و یا حتی فاقد هر دو باشد.

در این راستا، سندرابیم «سیاهه‌نقش جنسی بم»<sup>۲۲</sup> (۱۹۷۴، ۱۹۸۱) را برای انجام تحقیق تجربی روی ادراکات نقش جنسیتی ارائه نمود. در این سیاهه، «زنانگی» و «مردانگی» به‌عنوان دو بعد مستقل از هم در نظر گرفته می‌شود. نمرات بالا در مقیاس مردانگی، ریخت‌بندی نقش جنسیتی مردانه و نمرات بالا در مقیاس زنانگی، ریخت‌بندی نقش جنسیتی زنانه را مشخص می‌نماید. از سویی دیگر، نمرات بالا در هر دو مقیاس مردانگی و زنانگی، نقش جنسیتی «دو جنسیتی»<sup>۲۳</sup> و نیز نمرات پائین در هر دو مقیاس مردانگی و زنانگی، نقش جنسیتی «نامتمایز»<sup>۲۴</sup> را نشان می‌دهد.

بم (۱۹۷۸)، در تحقیقی اولیه در دانشگاه استنفورد، با استفاده از فرم بلند ۶۰ ماده‌ای «سیاهه نقش جنسی»، به بررسی رابطه میان طبقه‌بندی‌های نقش جنسیتی و جنس پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که رابطه معنی‌داری بین ریخت‌بندی نقش‌های جنسیتی و جنس وجود داشت، به این معنی که بیشتر زنان در نقش زنانه و بیشتر مردان در نقش مردانه قرار داشتند. این نتیجه در تحقیقات بعدی (ونگ و کرایدون، ۱۹۸۹؛ لیوینگستن و برلی، ۱۹۹۶؛ برسیک، ۱۹۹۸؛ مارکوتنه، ۱۹۹۹؛ والترز، ۲۰۰۱؛ گوله، ۲۰۰۳) نیز مورد تأیید قرار گرفت. کروتز (۱۹۹۹) در تحقیقی نشان داد که مردان و زنان در الگوهایشان از طبقه‌بندی نقش جنسیتی متفاوتند. چنانچه در تحقیق او ۴۸ درصد از مردان در نقش جنسیتی مردانه قرار داشتند و زنان به‌طور یکنواخت در میان ۴ طبقه

نقش جنسیتی توزیع شده بودند. او نتیجه می‌گیرد که مردان برای رفتار نقش جنسیتی متناسب با جنس خود بیشتر از زنان تحت فشار قرار داده می‌شوند.

مطابق با نظر بلم (۱۹۹۸)، بنظر می‌رسد که زنان و مردان دارای ریخت‌بندی جنسیتی سنتی زنانه و مردانه، برخلاف افراد فاقد ریخت‌بندی جنسیتی (نقش‌های جنسیتی دوجنسیتی، و نامتمایز)، اطلاعات را درباره خویشتن بر حسب جنسیت پردازش می‌نمایند و طبق تعاریف فراهم شده از فرهنگ برای مردانگی و زنانگی به پردازش اطلاعات و تنظیم رفتارشان می‌پردازند. از این رو، به دلیل موافقت گسترده فرهنگی درباره کلیشه‌های جنسیتی، هنجارهای نقش جنسیتی احتمال دارد تأثیر قوی را روی رفتار اعمال نموده (ان سلمی و لائو، ۱۹۹۸) و بسیاری از ابعاد رفتاری از جمله «انگیزش پیشرفت» و «ترس از موفقیت» را به‌عنوان یک بعد انگیزشی تحت تأثیر قرار دهند. از این رو، بررسی ارتباط بین نقش‌های جنسیتی و ترس از موفقیت در زنان مورد توجه بسیاری از پژوهشگران واقع شد.

در حالیکه جنکینز (۱۹۷۹)، نشان داد که زنان دارای نمرات زنانگی بالا، ترس از موفقیت پایین‌تری دارند، در تحقیقات چوانگ و آی‌چن (۱۹۹۴) در چین و نیز ثورنه (۱۹۹۵) در امریکای لاتین، زنانی که نگرش‌های نقش جنسیتی غیرسنتی نسبت به موفقیت و پیشرفت داشتند، میانگین ترس از موفقیت پائینی را نشان دادند.

برخی از پژوهشگران (کاندری و دایر، ۱۹۷۶؛ پیلاثو، ۱۹۷۶؛ دیویس، ری و برت، ۱۹۸۷؛ اکانل و پرز، ۱۹۸۲؛ سلیلی، ۱۹۹۶؛ فگبمی، ۱۹۹۶؛ بارنون، ۱۹۹۹) ترس از موفقیت را تنها منحصر به زنان ندانسته و مطرح نمودند که تصویرسازی ترس از موفقیت، نمایانگر واکنشی است که هم زنان و هم مردان به رفتارهایی نشان می‌دهند که با جنس آنها و ویژگی‌هایی که جامعه برای آنها در نظر گرفته است، مغایرت دارد. اما ونگ و کزیدان (۱۹۸۹)، در مطالعه‌ای نشان داد که در هر دو جنس، نمرات نقش جنسیتی زنانگی، همبستگی مثبت؛ اما نمرات مردانگی، همبستگی منفی با ترس از موفقیت دارد.

در حالیکه در تحقیق مولیگ و همکاران (۱۹۸۵)، آزمودنی‌های دارای نقش جنسیتی مردانه و نیز دوجنسیتی و نامتمایز، ترس از موفقیت بالاتری نشان دادند. مطالعات کیوماری (۱۹۹۵)، در «هند» و فگبمی (۱۹۹۶)، در «نیجریه» نیز نشان داد که آزمودنی‌های زن و مرد که نگرش‌های نقش جنسیتی غیرسنتی (دوجنسیتی و نامتمایز) داشتند، به طور معنی‌دارتری میانگین ترس از موفقیت پائینی را نسبت به آنهایی که از نگرش سنتی (زنانه و مردانه) برخوردار بودند، داشتند. به دلیل تناقض در نتایج تحقیقات، و عدم وجود تحقیقی در ایران که به پرسش‌های موجود در

این زمینه پاسخگو باشد، تحقیق حاضر، بر آنست که به بررسی «سازه ترس از موفقیت در ارتباط با دو متغیر جنس و نقش‌های جنسیتی در میان دانشجویان رشته‌های فنی- مهندسی» (که مطابق با دیدگاه هورنر، رشته و حیطه‌ای مردانه به حساب می‌آید) به پردازد تا ضمن بررسی این سازه‌ها، به روشن تر شدن زوایای این متغیرها کمک نماید.

## ● روش

### ○ آزمودنی‌ها

آزمودنی‌های این پژوهش تعداد ۴۵۰ نفر (۲۲۵ دختر و ۲۲۵ پسر) از دانشجویان سال چهارم رشته‌های فنی و مهندسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بودند که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی از میان ۷ دانشگاه، با جامعه آماری ۳۵۸۱ نفر انتخاب شدند. میانگین سنی نمونه‌ها ۲۲/۲۷ سال با حداقل ۲۱ و حداکثر ۲۴ سن با انحراف معیار ۰/۷۳ بود.

### ○ ابزار

□ الف. سیاهه نقش جنسی بم (BSRI): این سیاهه یکی از پر استفاده‌ترین ابزار اندازه‌گیری نقش‌های جنسیتی است (هالت، ۱۹۹۸؛ ابوعلی، ۱۹۹۹). فرم بلند ۶۰ ماده‌ای سیاهه، شامل ۲۰ صفت به طور کلیشه‌ای زنانه همچون «بامحبت»<sup>۲۵</sup>، «خجالتی»<sup>۲۶</sup>، «زودباور»<sup>۲۷</sup>؛ ۲۰ صفت به طور کلیشه‌ای مردانه مانند «مستقل»<sup>۲۸</sup>، «قوی»<sup>۲۹</sup>، «رقابت‌جو»<sup>۳۰</sup> و ۲۰ صفت به عنوان ماده‌های «ختی»<sup>۳۱</sup>، «خوشحال»<sup>۳۲</sup>، «دمدمی»<sup>۳۳</sup> و «باوجدان»<sup>۳۴</sup> است.

سیاهه، در یک مقیاس هفت درجه‌ای از ۱ «هرگز یا تقریباً هرگز در مورد من صادق نیست» تا ۷ «همیشه یا تقریباً همیشه در مورد من صادق است» تنظیم شده است که هر فرد درباره خود قضاوت می‌کند.

با محاسبه میانه نمرات خام آزمودنی‌ها در دو مقیاس مردانگی و زنانگی، آزمودنی‌ها در یکی از چهار نوع نقش جنسیتی «مردانه» با (نمرات بالا در مقیاس مردانگی)، «زنانه» (نمرات بالا در مقیاس زنانگی)، «دوجنسیتی» (نمرات بالا در هر دو مقیاس مردانگی و زنانگی)، «نامتمایز» (نمرات پایین در هر دو مقیاس مردانگی و زنانگی) طبقه‌بندی می‌شوند.

در پژوهش حاضر، «اعتبار»<sup>۳۵</sup> بازآزمایی این پرسشنامه در یک اجرای مقدماتی با تعداد ۳۰ دانشجوی دختر و ۳۰ دانشجوی پسر با فاصله زمانی ۴ هفته بررسی گردید. ضرایب بازآزمایی به دست آمده برای «زنانگی زنان» برابر با ۰/۸۵؛ «مردانگی زنان» برابر با ۰/۹۵؛ «زنانگی مردان» برابر

با ۸۶٪ و «مردانگی مردان» برابر با ۸۶٪ بود. همچنین ضریب آلفای کرانباخ سیاهه، پس از اجرای نهائی با ۴۵٪ آزمودنی مرد و زن محاسبه و به ترتیب: زنانگی زنان برابر با ۸۲٪، مردانگی زنان برابر با ۷۴٪؛ زنانگی مردان برابر با ۷۴٪ و مردانگی مردان برابر با ۷۰٪ بود. از یک چارچوب نظری، ضرایب اعتبار به دست آمده برای مقیاسهای زنانگی و مردانگی در تحقیق حاضر، همگی بالا و با ضرایب اعتبار به دست آمده در تحقیقات دیگر (بم، ۱۹۸۱؛ بالارد- ریش و التون، ۱۹۹۲؛ کریشان، ۱۹۹۸؛ هالت، ۱۹۹۸؛ ابو علی، ۱۹۹۹؛ والترز، ۲۰۰۱) قابل مقایسه است.

#### □ ب. مقیاس ترس از موفقیت<sup>۳۶</sup> FOSS:

به منظور ارزیابی ترس از موفقیت، از مقیاس ترس از موفقیت زاگرمین و آلیسن (۱۹۷۶)، استفاده شد. این مقیاس به عنوان یک آزمون عینی شامل ۲۷ عبارت است که براساس مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت تنظیم شده و از طیف «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» امتداد دارد. کسب نمرات بالاتر در این مقیاس، نشانگر میزان بیشتری از ترس از موفقیت است. دامنه نمرات آزمودنی می‌تواند بین ۲۷ تا ۱۸۹ قرار بگیرد.

زاگرمین و آلیسن (۱۹۷۶)، با تحلیل عاملی این پرسشنامه به ۳ عامل: ۱. سودمندی‌های موفقیت؛ ۲. هزینه موفقیت؛ ۳. نگرش‌های پاسخگران به موفقیت دست یافتند.

زاگرمین و آلیسن برای ارزیابی روائی ملاکی در دو مطالعه در سال ۱۹۷۶، همبستگی این مقیاس را با آزمون فرافکن هورنر سنجیدند. نتایج نشان داد که «مقیاس ترس از موفقیت» زاگرمین و آلیسن به طور مثبت با «مقیاس فرافکن ترس از موفقیت» هورنر مرتبط است، چنانچه ضرایب همبستگی ۰/۱۸ و ۰/۳۰ برای زنان و ۰/۱۶ و ۰/۲۲ برای مردان به دست آمد. در بررسی همبستگی‌های دو آزمون بدون تفکیک جنس، ضرایب ۰/۱۹ و ۰/۲۵ همگی در سطح ۰/۰۵ به دست آمد که نشان دهنده معنی دار بودن همبستگی‌ها می‌باشد. در تحقیقات دیگر (چاباسول و ایشی یاما، ۱۹۸۳؛ اورلوفسکی، ۱۹۸۱) شواهدی برای تأیید روائی سازه این مقیاس به دست آمد.

برای بررسی همسانی درونی مقیاس در مطالعه حاضر، مقیاس در یک اجرای مقدماتی با ۳۰ دانشجوی زن و ۳۰ دانشجوی مرد اجرا شد و ضریب آلفای کرانباخ برای زنان ۰/۶۶ و برای مردان ۰/۷۱ به دست آمد. پس از اجرای مقیاس در کُل آزمودنی‌ها (N= ۴۵۰) به منظور بررسی «اعتبار» آزمون، مجدداً تجزیه و تحلیل آماری انجام گرفت و ضریب آلفای کرانباخ ۰/۶۳ برای زنان و ۰/۶۶ برای مردان و نیز ضریب آلفای کرانباخ کلی (بدون تفکیک جنس)، ۰/۶۵ به دست

آمد که با ضرایب اعتبار به دست آمده در تحقیقات دیگر (رجوع شود به: زاگرمین و آلیسن، ۱۹۷۶؛ پایدمونت، ۱۹۹۵؛ توسلی، ۱۳۷۹) برابری می‌کند.  
 در بررسی اعتبار آزمون با استفاده از روش دو نیمه کردن (سوالات زوج و فرد)، ضرایب اعتبار دو نیمه، ۰/۷۰، اسپیرمن- براون ۰/۷۴ و گاتمن ۰/۷۴ به دست آمد.  
 ○ به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از روش‌های آماری خلی دو و تحلیل واریانس دوراهه استفاده به عمل آمد.

### ● نتایج

جدول ۱، تعداد آزمودنی‌ها در نقش‌های جنسیتی را به تفکیک جنس نشان می‌دهد.

جدول ۱- تعداد آزمودنی‌ها در نقش‌های جنسیتی به تفکیک جنس

مردان		زنان		طبقه‌بندی
تعداد	درصد	تعداد	درصد	نقش جنسیتی
۲۹/۳	۵۶	۱۶/۹	۳۸	مردانه
۱۷/۳	۳۹	۱۳/۷	۶۹	زنانه
۲۴/۹	۵۶	۲۸/۹	۶۵	دوجنسیتی
۲۸/۴	۶۴	۲۳/۶	۵۳	نامتمایز
	۲۲۵		۲۲۵	کل
	%۱۰۰		%۱۰۰	

همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود زنان، بیشتر در نقش جنسیتی زنانه و مردان بیشتر در نقش جنسیتی مردانه طبقه بندی شده‌اند.

برای بررسی رابطه بین نقش‌های جنسیتی و جنس، از روش آماری مجذور کای استفاده شد که رابطه معنی داری بین نقش‌های جنسیتی و جنس وجود داشت ( $p < 0.001$ ،  $df=3$ ،  $\chi^2 = 17.57$ )

جدول ۲- شاخصهای توصیفی متغیر ترس از موفقیت در نقش‌های جنسیتی

تعداد	انحراف معیار	میانگین	شاخصها	نقش جنسیتی
	۱۰۴	۱۴/۲۵	۹۵/۷۷	مردانه
	۱۰۸	۱۱/۶۸	۹۹/۸۱	زنانه
	۱۲۱	۱۳/۷۷	۹۱/۴۵	دوجنسیتی
	۱۱۷	۱۳/۸۰	۹۹/۷۰	نامتمایز

باتوجه به داده‌های توصیفی مربوط به میانگین «ترس از موفقیت» افراد در نقش‌های جنسیتی که

در جدول ۲ ارائه گردیده است، ملاحظه می شود که میانگین «ترس از موفقیت» افراد دو جنسیتی، پائین تر از افراد در نقش های جنسیتی زنانه، مردانه و نامتماز است. یک آزمون تحلیل واریانس دوراهه (جنس × نقش جنسیتی) برای بررسی اثرات اصلی و تعاملی متغیرها بر متغیر وابسته (ترس از موفقیت) انجام شد. همانطور که در جدول ۳ مشاهده می شود، نتیجه تحلیل واریانس، نشان دهنده معنی دار بودن اثر اصلی نقش جنسیتی بر ترس از موفقیت ( $F=9/92$ ،  $p < 0/001$ ) است، اما اثر اصلی دیگری برای جنس ( $F=0/006$ ،  $p < 0/05$ ) یا تعامل معنی داری بین جنس و نقش جنسیتی بر ترس از موفقیت ( $F=0/163$ ،  $p < 0/05$ ) وجود نداشت.

جدول ۳- نتایج تحلیل واریانس دوطرفه ترس از موفقیت با نقش جنسیتی و جنس

منبع تغییرات	شاخصها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
جنس	۱/۱۱۹	۱	۱	۱/۱۱۹	۰/۰۰۶	۰/۹۳۷
نقش جنسیتی	۵۴۰۵/۱۲۶	۳	۳	۱۸۰۱/۷۰۹	۹/۹۲۲	۰/۰۰۰۱
جنس × نقش جنسیتی	۸۸/۹۰۰	۳	۳	۲۹/۶۳۳	۰/۱۶۳	۰/۹۲۱
پراکندگی درون گروهی	۸۰۲۵۹/۴۳۵	۴۴۲	۴۴۲	۱۸۱/۵۸۲		

مقایسه های آزمون تعقیبی شفه جهت مشخص نمودن معنی داری تفاوت میانگین ترس از موفقیت بین چهار طبقه بندی نقش جنسیتی انجام شد. نتایج آزمون شفه نشان داد که تفاوت معنی داری بین میانگین ترس از موفقیت افراد دو جنسیتی در مقایسه با افراد در نقش های جنسیتی زنانه و نامتماز وجود دارد، به این معنی که افراد دو جنسیتی، نسبت به افراد در نقش های جنسیتی زنانه و نامتماز از ترس از موفقیت پائین تری برخوردارند، اما میانگین های ترس از موفقیت افراد دو جنسیتی و مردانه تفاوت معنی داری را نشان نمی دهد.

### ● بحث و نتیجه گیری

○ یافته های پژوهش حاضر نشان دهنده معنی دار بودن «اثر اصلی نقش جنسیتی بر ترس از موفقیت» بود. مقایسه میانگین ها نشان داد که افراد دو جنسیتی و مردانه، به طور معنی داری ترس از موفقیت پایین تری را به نسبت افراد زنانه و نامتماز نشان دادند. این یافته، با تحقیقات فگبمی (۱۹۹۶)، چوانگ و آی چن (۱۹۹۴)، کیوماری (۱۹۹۵)، همخوانی دارد که نشان دادند، افراد در



نقش‌های جنسیتی زنانه، از ترس از موفقیت بالاتر و افراد در نقش جنسیتی مردانه و دو جنسیتی از ترس از موفقیت پائین‌تری برخوردارند. از آنجایی که بنا بر نظر فارس و چاپلین (۱۹۹۷)، برای سالیان طولانی تاکنون نقش‌ها و خط‌مشی‌ها در زندگی بر اساس ویژگی‌های جنس‌زیستی افراد تعیین شده بود، شواهد تحقیق حاضر، می‌تواند بر نقش تعیین‌کننده تر نقش‌های جنسیتی نسبت به جنس‌زیستی افراد، در تعیین نگرش‌های افراد در مورد موفقیت صحنه‌گذار.

○ دو (۱۹۹۸)، معتقد است که ما رفتار متناسب با کلیشه‌های جنسیتی را می‌آموزیم و بسیاری از رفتارها و واکنش‌های ما بوسیله کلیشه‌های فرهنگی از مردانگی و زنانگی هدایت می‌شود. چنانچه باورهای کلیشه‌ای جنسیتی، نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه را با وجود و یا عدم وجود صفات شخصیتی خاصی تعریف نموده‌اند. اینگونه که صفات بیانی مثل عاطفی بودن، درک دیگران، هم‌درد بودن، دلسوز بودن، علاقمند بودن به پرورش کودکان را به عنوان صفات زنانه در نظر می‌گیرند و این در حالی است که صفات ابزاری با واژه‌هایی چون مستقل، مسلط، باج‌رئ و پیشرفت‌گرا و رقابت‌جو بودن برای صفات مردانه توصیف می‌گردد. از این رو چون صفات مردانه بطور کلیشه‌ای بسیار مثبت تلقی می‌شود، پس افراد با نقش جنسیتی مردانه، در رفتار پیشرفت‌مشکل‌چندانی احساس نمی‌کنند. اما افراد در نقش جنسیتی زنانه، به دلیل اینکه برای اهداف پیوندگرائی زنانه تعریف و اجتماعی شده‌اند، در موقعیت‌های پیشرفت‌رقابتی، رفتار اجتنابی نشان می‌دهند، زیرا می‌ترسند این موفقیت، شکست در اهداف خانه و خانواده را در بر داشته باشد و با پیامدهای منفی مثل طرد اجتماعی توأم باشد.

○ اما مطابق با نتایج تحقیق ثورن (۱۹۹۵)، افراد دارای نقش جنسیتی «دوجنسیتی»، در موقعیت‌های پیشرفت نگرش‌های نقش جنسیتی سنتی کمتر و صفات ابزاری بیشتری؛ ولی در موقعیت‌های خانوادگی، رفتار نقش جنسیتی سنتی و صفات بیانی بیشتری را نشان می‌دهند. از این رو، این افراد به عنوان افراد دارای نقش دو جنسیتی، به دلیل انعطاف‌پذیری و سازگاری با موقعیت‌ها (ابوعلی، ۱۹۹۹)، به نظر می‌آید، بر ترسها، دو سوگرائی‌ها و تعارضها در موقعیت‌های پیشرفت‌رقابتی و خانوادگی فائق می‌آیند و از این رو ترس از موفقیت پائین‌تری را نیز نشان می‌دهند. بنا بر نظر مقدم (۱۹۹۸)، به نظر می‌آید که یک نقش جنسیتی مردانه یا دو جنسیتی، در موقعیت‌های تحصیلی و شغلی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. اما نقش جنسیتی زنانه و دو جنسیتی ممکن است برای پیوندجویی مناسب‌تر باشد. از این رو مطابق با یافته‌های این تحقیق، نقش‌های جنسیتی می‌توانند انتظارات متفاوتی را از موفقیت و پیشرفت، آنهم وابسته به کلیشه‌سازی‌های فرهنگی ایجاد نمایند و جذب این باورها در خودپنداری

می تواند دلیل انتظارات پائین تری برای پیشرفت و موفقیت در افراد با نقش جنسیتی زنانه و انتظارات بالا برای موفقیت در افراد با نقش جنسیتی مردانه و دو جنسیتی باشد. اما «ترس از موفقیت بالا» در افراد با نقش جنسیتی «نامتمایز»، شاید بخاطر این باشد که این انتظارات پائینی در عملکرد پیشرفت و نیز نمرات پایینی در سازگاری اجتماعی نشان می دهند (گیانا کس، ۲۰۰۰). پس چون ویژگی‌هایی کاملاً خلاف افراد دو جنسیتی در جهت تطبیق یافتن با موقعیتها نشان می دهند، در هنگام روبرو شدن با تعارضات و دوسوگرایی‌های پیشرفت و خانواده، کارائی بسیار پایینی را از خود نشان می دهند.

○ بررسی ارتباط بین نقش جنسیتی و جنس، معنی دار بود. این نتیجه، با یافته‌های بم (۱۹۷۸)، ونگ و کریدان (۱۹۹۸) و لیوینگستن و برلی (۱۹۹۶)، از لحاظ قرار گرفتن بیشتر زنان و مردان در نقش جنسیتی متناسب با جنس زیستی‌شان همخوانی دارد، اما با یافته تحقیق برسیک (۱۹۹۸) و آناستازیا (۱۹۹۸) که هیچ تفاوتی را در نقش جنسیتی زنان و مردان نشان نمی دهد، سازگار نیست. بم (۱۹۹۸، ۱۹۸۱)، معتقد است افراد در میزان تطبیق خود با تعاریف سنتی از جنسیت متفاوت می شوند، بنابراین بسیاری از زنان و مردان به عنوان نتیجه‌ای از پردازش اطلاعات و تشکیل روان بنه‌های شناختی جنسیتی بر اساس تجویزات فرهنگی از جنسیت، در ریخت‌بندی نقش جنسیتی مرتبط با جنس زیستی خود قرار می گیرند (مردان مردانه، زنان زنانه)، ولی بعضی از آنها در ریخت‌بندی جنسیتی نمی‌کنند (افراد دو جنسیتی و یا نامتمایز). این می تواند نشانگر این باشد که در این تحقیق، بیشتر زنان در نقش جنسیتی زنانه و نیز بیشتر مردان در نقش جنسیتی مردانه طبقه بندی شده اند. به این معنی که زنان و مردان جذب تعاریف فرهنگی از رفتارهای متناسب با جنس شده اند. اما در عین حال این تحقیق شواهدی را نیز در رویکرد مردان و زنان به سوی نقشهای دو جنسیتی فراهم می نماید. زیرا بدون تفکیک جنس، تعداد افراد فاقد ریخت‌بندی جنسیتی (دو جنسیتی و نامتمایز) در مقایسه با افراد ریخت‌بندی جنسیتی (مردانه و زنانه)، افزون تر است که فرض تعالی نقش جنسیتی در میان دانشجویان (مته سون، ۱۹۹۳)، را حمایت می کند.

○ درصد قابل ملاحظه مردان در نقش جنسیتی نامتمایز، بنابر تعبیر آناستازیا (۱۹۹۸)، می تواند نشانگر این باشد که درصد زیادی از مردان - به ویژه مردان تحصیل کرده - به قطبی گرایی و تبعیض جنسیت دنیای امروز بی اعتنا هستند. اما درصد بیشتر زنان نسبت به مردان در نقش‌های دو جنسیتی، می تواند به این دلیل باشد که تغییرات اجتماعی - فرهنگی در دهه‌های اخیر، زمینه را برای افزایش ورود زنان در نقش‌هایی که قبلاً آن را حیطه‌های مردانه تلقی

می‌کردند، فراهم آورده است و این امر می‌تواند زمینه را برای اعمال تساوی‌گرایانه غیرسنتی آماده نماید. در واقع، به نظر می‌رسد که بسیاری از ویژگیهایی که قبلاً مردانه تلقی می‌شد، در ورود به دنیای تحصیلی و شغلی، جنبه‌های ابزاری مطلوبی یافته است و زنان نیز با توجه به نیازهای حضور در چنین عرضه‌هایی، این ویژگیها را پذیرفته یا آنها را برای موفقیت ضروری می‌دانند.

○ نتایج این تحقیق نشان داد که تفاوتی بین زنان و مردان در «ترس از موفقیت» وجود ندارد. این یافته با نتایج تحقیقات هافمن، (۱۹۷۴)، لو، آلن، پاپوچیس و ریتزلر (۱۹۹۸)، کریشان (۱۹۹۸)، و یحیائی (۱۳۷۶)، همخوانی دارد؛ ولی با تحقیقات زا کرمن و آلیسن (۱۹۷۶)، بوگل و مارتی (۱۹۹۰)، هورینو (۱۹۹۱) که ترس از موفقیت بالاتر را در زنان به نسبت مردان گزارش کرده‌اند و همینطور با تحقیق روتمن (۱۹۹۶)، که میزان ترس از موفقیت بالاتر را در مردان گزارش نمود، همخوانی ندارد. وجود نتایج ناهمخوان در زمینه ترس از موفقیت میان زنان و مردان، به گفته کریشان (۱۹۹۸)، می‌تواند به دلیل شیوه اندازه‌گیری ترس از موفقیت باشد؛ زیرا در تحقیقاتی که برای بررسی ترس از موفقیت انجام شده است، از روش فرافکن هورنر و یا از آزمونهای عینی اندازه‌گیری ترس از موفقیت استفاده شده است. هورنر (۱۹۷۲) بر اساس یافته‌های خود، استدلال نمود که زنانی که موفق بودند برایشان مهم است، ترس از موفقیت را تجربه می‌نمایند؛ زیرا موفقیت شغلی و تحصیلی آنها ممکن است به معنی شکست در اهداف خانه و خانواده باشد. یافته این تحقیق با نظر و یافته هورنر سازگار نیست و بنظر می‌رسد که به دلیل تغییرات فرهنگی و حضور بیشتر زنان در عرصه‌های تحصیلی و شغلی در دهه‌های اخیر، تضاد بین حرفه و خانواده در حال کاهش است. در تأیید این ادعا می‌توان به تحقیقات انجام شده در ایران (کاجی، ۱۳۶۹؛ عبداللهی، ۱۳۷۰؛ توسلی، ۱۳۷۹) اشاره کرد که نشان می‌دهد تفاوت جنسی معنی داری در ترس از موفقیت وجود ندارد و در بسیاری از زنان انگیزه پیشرفت بسیار قوی دیده می‌شود.

○ در تصویرسازی ترس از موفقیت، در میان زنان و مردان این مطالعه تفاوتی وجود نداشت. نکته جالب آن است که از ابتدا هر چند به طور سنتی، «مهندسی» حیطه‌ای غیرسنتی برای زنان محسوب شده است، زنان بر خلاف انتظار، ترس از موفقیت بالاتری را به نسبت مردان نشان ندادند. چندین تبیین برای این نتیجه می‌تواند وجود داشته باشد:

بودر<sup>۳۷</sup> و شلیشر<sup>۳۸</sup> (۱۹۹۶؛ به نقل از بارنون، ۱۹۹۹)، ذکر می‌نمایند، تغییراتی در ارزیابی‌های منفی نسبت به کلیشه‌ای شدن جنسی مشاغل روی داده است؛ زیرا وقتی شغلی به مدت طولانی جنسیتی نشود، تحصیل یا شاغل بودن در آن حیطه غیرسنتی، با ادراکات منفی همراه نخواهد بود.

به نظر می آید که چنین تغییراتی در رشته «مهندسی» در مورد زنان روی داده و شاخص آن نیز می تواند تعداد دخترانی باشد که در رشته های فنی و مهندسی - که قبلاً بیشتر مردانه تلقی می شده وارد شده اند. آمار سازمان سنجش آموزش کشور نشان می دهد که در چند سال گذشته، تعداد زنانی که در رشته های فنی و مهندسی پذیرفته شده اند، از تعداد مردان فزونی گرفته است (۲۹ درصد زنان در برابر ۷۱ درصد مردان در سال ۱۳۷۶؛ ۳۲ درصد در برابر ۶۸ درصد مردان در سال ۱۳۷۷؛ ۳۸/۵ درصد در برابر ۶۱/۵ درصد مردان در سال ۱۳۷۸؛ ۴۲ درصد در برابر ۵۸ درصد مردان در سال ۱۳۷۹؛ ۴۴ درصد در برابر ۵۶ درصد مردان در سال ۱۳۸۰؛ ۴۶ درصد در برابر ۵۴ درصد مردان در سال ۱۳۸۱؛ ۴۷ درصد در برابر ۵۳ درصد مردان در سال ۱۳۸۲؛ ۴۸ درصد در برابر ۵۲ درصد مردان در سال ۱۳۸۳؛ (کارنامه آزمون سراسری، ۱۳۸۳ - ۱۳۷۶). از سوی دیگر، به نظر می رسد که نگرش عمومی، در مورد وابسته بودن برخی از رشته های تحصیلی به «جنس» به مرور در حال کاهش باشد و امروز زنان ارزیابی های مثبتی را درباره کفایت و موفقیت هایشان در این حیطه ها دریافت می کنند. عدم وجود تفاوت جنسی در ترس از موفقیت، می تواند بر تأکید فرهنگ عمومی بر آموزش، عملکرد تحصیلی و پیشرفت در حیطه های تحصیلی و شغلی دلالت کند. نتایج بالا، می تواند آئینه ای از تغییرات فرهنگی در فرایند اجتماعی پذیری و تأکید خانواده های ایرانی بر آموزش و تحصیلات عالی در هر دو جنس و نیز تأثیرات برنامه هایی باشد که برای افزایش مشارکت زنان در حیطه های علمی، فرهنگی و اجتماعی صورت می گیرد. بهر حال ضرورت دارد تحقیقات بیشتری با دانشجویان از زوایای متفاوت در چند رشته تحصیلی (اعم از حیطه های سنتی و غیر سنتی) انجام شود تا نتایج تحقیق حاضر را تأیید کند و به روشن کردن جنبه های دیگری از نگرش و رفتار پیشرفت دانشجویان دختر و پسر کمک نماید.

#### یادداشت ها

- |                           |                    |
|---------------------------|--------------------|
| 1- Achievement motivation | 2- Fear of success |
| 3- Morgan                 | 4- Matusner        |
| 5- Cook                   | 6- Chandler        |
| 7- Cheri                  | 8- Deaux           |
| 9- Golombok               | 10- Fivush         |
| 11- Gender roles          | 12- Kohlberg       |
| 13- Kagan                 | 14- Moghaddam      |
| 15- Feminine              | 16- Masculine      |
| 17- Expressive            | 18- Instrumental   |

- |                  |                            |
|------------------|----------------------------|
| 19- Constinoploe | 20- Helmrich               |
| 21- Huston       | 22- Bem Sex Role Inventory |
| 23- Androgynous  | 24- Undifferentiated       |
| 25- Affectionate | 26- Shy                    |
| 27- Guillible    | 28- Self-reliant           |
| 29- Strong       | 30- Competitive            |
| 31- Filler       | 32- Happy                  |
| 33- Moody        | 34- Conscientious          |
| 35- Reliability  | 36- Fear of Success Scale  |
| 37- Yoder        | 38- Schleicher             |

### منابع

- توسلی، ناصر. (۱۳۷۹). بررسی رابطه بین ترس از موفقیت و اضطراب امتحان در دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- عبداللهی، عباس. (۱۳۷۰). ترس از موفقیت و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی میان دانشجویان و دانش‌آموزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بخش روانشناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- کاجی، مهناز. (۱۳۶۹). مقایسه ترس از موفقیت بین دانشجویان و دانش‌آموزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- گولومبوگ، سوزان. فی‌وش، رابین. (۱۳۸۲). رشد جنسیت، ترجمه مهرناز شهرآرای. چاپ دوم. تهران: ققنوس.
- یحیائی، عفت. (۱۳۷۶). بررسی رابطه انگیزه پیشرفت، نقش‌های جنسیتی، ترس از موفقیت و جنسیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- کارنامه آزمون سراسری. (۱۳۸۳-۱۳۷۶). دفتر بررسی‌های فنی و آماری. سازمان سنجش آموزش کشور، تهران: انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور.
- Abu-Ali, A. (1999). Gender role identity among a adolescent muslim girls living in the U.S. *Current Psychology*, 18, (2), 185-193.
- Anastasia, I. (1998). Sex and gender: A study of university professors. *Sex Roles: A Journal of Research*. April. [www.Findarticles.com](http://www.Findarticles.com).
- Anselmi, D. L.; & Law, A. L. (1998). Defining sex and gender. In W. L. Anselmi ; & A. L. law (Eds.) *Questions of gender: Perspectives and paradoxes*. New York: McGraw-Hill Press.
- Balard-Reish, D.; & Elton, M. (1992). Gender orientation and the Bem Sex Role Inventory: A psychological construct revisited. *Sex Roles: A Journal of Research*. 27, 291-306.
- Barnon, L. (1999). *Gender*. Second Edition. Boston: Allyn & Bacon.
- Bhogle, S.; & Murthy, V. N. (1990). Fear of success in the Indian context. *Journal of Personality and Clinical Studies*, 6, 35-41.
- Baron, R. A.; & Byrne, D. (1997). *Social psychology*. New York: Norton Press.
- Bem, S. L. (1974). The measurement of psychological androgyny. *Journal of Consulting and*

- Clinical Psychology*, 4, 155-162.
- Bem, S. L. (1978). *Bem Sex Role Inventory*: Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press.
- Bem, S. L. (1981). *Bem Sex Role Inventory*: Manual, Test. Booklet & Scoring Key. Distributed by Mind Garden.
- Bem, S. L. (1993). *Lense of gender: Transforming the debate on sexual inequality*. Yale University Press.
- Bem, S. L. (1998). Raising Gender-a-schematic Children in a gender-schematic society. In D. L. Anselmi; & A. L. Law (Eds.), *Questions of Gender: Perspectives and Paradoxes*, 262-274. New York: Mc Graw Hill Press.
- Bursik, K. (1998). Moving beyond gender differences: Gender role comparisons of manifest dream content. *Sex Roles: A Journal of Research*, Feb. [www.Findarticles.com](http://www.Findarticles.com).
- Carothers, B. (1999). Relationships of employment status, gender role, insult, and gender with use of influence tactics. *Sex Roles: A Journal of Research*, Sep. [www.Findarticles.com](http://www.Findarticles.com).
- Condry, J.; & Dyer, S. (1976). Fear of success: Attribution of cause to the victim. *Journal of Social Issue*, 32, 326-327.
- Chabassol, D. J.; & Ishiyama, F. I. (1983). Correlates among three measures of fear of success. *Psychological Reports*, 52, 55-58.
- Chuang, S. F.; & I Chen. Ch. (1994). Couple sex role combination, achievement differences and women's fear of success. *Journal of Education and Psychology*, 17, 455-476.
- Davis, M. J.; Ray, J. J.; & Burt, J. S. (1987). Sex role and fear of success: A general population study. *Personality & Individual Differences*, 8, 431-432.
- Deaux, K. (1998). Defining gender roles and stereotypes psychological In D. L. Anselmi & A. L. Law constructions of masculinity and femininity. (Eds.), *Questions of gender: Perspectives and paradoxes*, 206-215. New York: McGraw Hill Press.
- Fagbemi, O. M. (1996). Fear of success among Nigerian females: A case study of women in higher education. *Psychologia: An International-Journal*, 4(2), 35-45.
- French, E. G.; & Lesser, G. S. (1964). Some characteristics of the achievement motive in woman. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 68, 119-128.
- Fried-Buchalter, S. (1997). Fear of success, fear of failure, and the imposter phenomenon among male and female. *Sex Roles*, 37, 11/12, 847-859.
- Gianakos, I. (2000). Gender roles and coping with work stress. *Sex roles: A Journal of Research*, June. [www.Findarticles.com](http://www.Findarticles.com).
- Gole, Z. V. B. (2003). Turkish university students' attitudes toward rape. *Sex roles: A Journal of Research*, Dec. [www.Findarticles.com](http://www.Findarticles.com).
- Hoffman, L. W. (1974). Fear of success in males and females: *Journal of Consulting and Clinical*

- Psychology*, 42, 353-358.
- Holt, C. I. L. (1998). Assessing the current validity of the Bem Sex Role Inventory. *Sex Roles: A Journal of Research*, Dec. [www.Findarticles.Com](http://www.Findarticles.Com).
- Horino, M. (1991). The relation between a achievement motive and fear of success. *Japanese Journal of Psychology*, 62(4), 255-259.
- Honer, M. S. (1972). Toward an understanding of achievement-related conflict in women. *Journal of Social Issues*, 28(2), 157-175.
- Horner, M. S.; & Fleming. (1992). Motive avoid success. In CH. Smith, Horner, J. John. W. Atkinson, D. McClelland, J. Veroff. (Eds.), *Motivation and personality: Handbook of thematic content analysis*, 179-190. Cambridge. Cambridge University Press.
- Jenkins, S. R. (1979). Fear of success, sex roles, and personal success goals. *Paper presented at the American Psychological Association Annual Meeting*. New York, NY.
- Khullar, S. (2000). *Fear of success and approval motive in men and women on the threshold of their careers*. [www.ICP.com](http://www.ICP.com).
- Krishnan, A. (1998). Gender differences in fear of success imagery and other achievement-related background variables among medical students. *Sex Roles: A Journal of Research*, August. [www.Findarticles.com](http://www.Findarticles.com).
- Kumari, R. (1995). Relationship of sex role attitudes and self esteem to fear of success among college women. *Psychological-Studies*, 40(2), 82-86.
- Levine, A.; & Crumrine, J. (1975). Women and the fear of success: A problem in replication." *American Journal of Sociology*, 80(4), 964-74.
- Lew, A.; Allen, R.; Papouchis, N.; & Ritzler, B. (1998). Achievement orientation and fear of success in Asian- American college students. *Journal of Clinical Psychology*, 54(1), 97-108.
- Livingston, M.; & Burley, K. et al. (1996). The importance of being feminine: Gender, sex role, occupational and marital role commitment, and their relationship to anticipated work family conflict. *Journal of Social Behavior & Personality*, 11(5), 179-183.
- Marcotte, D. (1999). Gender differences in adolescent depression gender-typed characteristics or problem-solving skills deficit? *Sex Roles: A Journal of Research*. July. [www.Findarticles.com](http://www.Findarticles.com).
- Matteson, D. R. (1993). Differences within and between genders: A challenge to the theory. In J. Marcia, A.; Waterman, D. R.; Matteson, S. Archer, J. Orlofsky (Eds.), *Ego identity: A handbook for psychosocial research*, 205-231, New York: Springer-Verlag.
- McClelland, D. (1985). *Human motivation*. Glenview, IL: Scott, Fore Stone.
- Moghadam, F. M. (1998). *Social psychology: Exploring universals across cultures*. New York. Freeman Publishers.

- Mulig, J. C.; Heggerty, M. E.; Carballosa, A. B.; Cinnick, W.J.; Madden, J. M. (1985). Relationships among fear of success, fear of failure, and androgyny. *Psychology of Women Quarterly*, 9, 284-287.
- O'Connell, A. N.; & Prez, S. (1982). Fear of success and causal attributions of success and failure in high school and college students. *Journal of Psychology*, (111), 141-151.
- Orlowsky, J. L. (1981). A comparison of projective fear of success and sex-roles orientation measures as predictors of women's performance on masculine and feminine tasks. *Sex Roles*, (7), 999-1018.
- Peplau, L. A. (1976). Impact of fear of success and sex-role attitudes on women's competitive achievement. *Journal of Personality and Social Psychology*, 34, 561-568.
- Petri, H. (1996). *Motivation: Theory, research and application*. 4th edition. Pacific Grove: Brooks Cole Publishing Company.
- Piedmont, R. (1995). Another look at fear of success, fear of failure, and test anxiety: A motivational analysis using the five-factor model. *Sex Roles*, 32, 3/4, 139-158.
- Rothman, M. (1996). Fear of success among business studies. *Psychological-Report*. Jun, 78(3), 863-869.
- Salili, F. (1996). Achievement motivation: A cross-cultural comparison of British and Chinese students. *Educational Psychology*, Sep, 16(3), 271-280.
- Santrock, J. W. (1998). *Life span development*. (Seventh Edition). New York: McGraw-Hill. Press.
- Spence, J. T. (1993). Gender-related traits and gender ideology: Evidence for a multifactorial theory. *Journal of Personality and Social Psychology*, 64, 4, 624-635.
- Thorne, Y. M. (1995). Achievement motivation in high achieving Latin women. *Reoper Review*, 18(1), 44-60
- Wang, T. H.; & Creedon, C. F. (1989). Sex role orientation: attributions for achievement, and personal goals of Chinese youth. *Sex Roles*, 20, 9/10, 473-486.
- Walters, G. D. (2001). The relationship between masculinity, femininity and criminal thinking in male and female offenders. *Sex Roles: A Journal of Research*. Nov. [www.Findarticles.com](http://www.Findarticles.com).
- Williams, J. E., & Best, D. L. (1990). *Measuring sex stereotypes: A multinational study*. CA: Sage.
- Yamauchi, H. (1989). Effects of verbal cues on fantasy of fear of success. *Psychological Reports*. 65(1), 25-26.
- Zuckerman, M.; & Allison, S. (1976). An objective measure of fear of construction and validation. *Journal of Personality Assessment*, 422-432.